

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ (نمونه موردی: داستان ملکشاه و الاهی)

محمد مسیح هاشمی نیا (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، عضو غیرهیات علمی دانشگاه ولایت ایرانشهر، ایرانشهر - ایران
Masih2017@gmail.com

فاطمه جان احمدی

دانشیار، عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

حلیمه میرکازهی نژاد

کارشناس ارشد زبان و ابیات فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان زاهدان، زاهدان، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۷۱-۲۰۰۸ سال ۱۶ شماره ۶۳ - صفحه ۱۱۷-۸۵
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۴. تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱۴

چکیده

در روزگار بحران هویت یکی از راههای حفظ هویت فرهنگی بازگشت به آیینها، آداب و رسوم سنتی است. قوم بلوچ یکی از اصیلترین اقوام ایرانی است که در طول تاریخ توانسته است زبان و فرهنگ و آیین خود را حفظ نماید. یکی از آیینهای این قوم ایرانی تبار نال یا ور میباشد. در بسیاری از داستانهای بلوچی نیز به آن اشاره شده است. یکی از این داستانها، داستان شهداد و مهناز می باشد که نمونه بارز اجرای این آیین در آن نمود دارد. برای انجام پژوهش سعی بر آن نمودیم که از مردم بلوچ در مناطق مختلف بلوچستان در رابطه با این آیین کهن پرسشهایی به عمل آوریم. آنچه در خور توجه است این بود که این رسم با وجود گسترش دانش دینی هنوز در برخی مناطق صورت میگیرد و اعتقاد به آن پابرجاست و گاه تصمیم بر اجرای نال گرفته میشود. اتفاقی که چشمگیر و حائز اهمیت است ماجرای است که در منطقه سرحد در حدود سال ۱۲۵۰ هجری شمسی رخ داده است و آن ماجرای ملک شاه و الاهی است. مواردی بسیار وجود دارد که در این مقاله به ذکر چند مور اکتفا می نمایم. در این پژوهش قصد داریم به این اهداف دست یابیم که مراسم نال برای چه اتفاقاتی برگزار میشود است و کدام یک از اتهامات از بسامد بالایی برخوردار بوده است؟ طبق تحقیقات مراسم نال برای اتهاماتی چون دزدی، جادو و خیانت برگزار میشود است و در این میان اتهام به دزدی از بسامد بیشتری برخوردار بوده است. این مقاله طبق شیوه تحلیلی-توصیفی و پژوهش میدانی انجام شده است.

کلیدواژه: آیین ور، قوم بلوچ، داستان شهداد و مهناز، نال، ملک شاه و الاهی، سوگند روغن و مندریک

مقدمه

یکی از شعارها و مظاهر مذهبی-فرهنگی و اجتماعی سوگند می‌باشد. همواره نبرد میان راستی و ناراستی، زیبایی و زشتی از ابتدای آفرینش وجود داشته‌است. از آنجایی که در زمان‌های کهن پیش داوری و قضاوت به دلیل نبودن ادله کافی کاری بسیار سخت محسوب می‌شده است، انسان‌ها از عوامل طبیعت استعان می‌جستند. ریشه چنین باوری را باید در داوری ایزدی دانست زیرا که خداوند است که بر همه چیز آگاه است و طبیعت زبان بیان پروردگار در اعمال انسانی است و هر آنچه در طبیعت مقدس شمرده شده است وسیله‌ای برای جدایی و تشخیص پاکی از ناپاکی و راستی و ناراستی محسوب شده‌است.

چنانکه ایرانیان باستان کشور خود را سرزمین پیمان می‌دانستند. سوگند، اظهاریست که از دیرباز در همه نظام‌های بدوی و مترقی بشر، جهت تحکیم پیمان‌ها و تاکید دیدگاه‌ها و باورهای او معمول بوده است. غالباً سوگند یادکننده برای اموری مهم و نسبت به اشیا و کسانی قسم یاد می‌کند که نزد وی مقدس و ارزشمند باشند. در تایید اهمیت سوگند می‌توان به اقسام خداوند عزوجل به ذات ربوبیت خویش و مخلوقاتش در قرآن و اذکار مذهبی اشاره نمود. همچنین پیوند قسم و قضاوت در تشخیص سره از ناسره از زمان پیدایش قانون و عدالت، ناگسستنی است. چنانکه الواح

سنگی تمدن عیلام به عنوان قراردادهای حقوقی آن دوران، مؤید این امر است. حتی ادیبان و شاعران ناموری همچون فردوسی، از این آیین در پرورش و خلق آثاری بدیع بهره برده‌اند.

آیین ور آیینی است که دارای قدمتی بسیار طولانی می باشد و در بین النهرین و قاره آفریقا و در میان مصریان نیز رواج داشته است و حتی در ایران باستان آثاری از این رسم مشاهده می شود. بنا بر موقعیت جغرافیایی و تاثیرات فرهنگ و تمدن در هر منطقه به طور خاصی اجرا می شده است. در مصر و آفریقا توسط خورانییدن زهر و تاثیرگذار بودن آن روی متهم گناهکار بودن او را مورد آزمایش قرار می داده‌اند و در بین النهرین با انداختن در آب و غرق شدن پی به گناهکار بودن فرد مورد اتهام قرار گرفته ، پی می بردند.

آیین ور یکی از راه‌های پی بردن به حقیقت و تشخیص بی گناه از گناهکار و همواره این آیین به دو صورت ور سرد که با آب صورت می گرفته است و ور گرم که با آتش بوده است در میان ملل اجرا می شده است.

پیشینه پژوهش

در رابطه با آیین ور یا نال پژوهشی به صورت میدانی در مناطق بلوچستان صورت نگرفته است اما پژوهش‌هایی در رابطه با آیین ور انجام پذیرفته است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌نمایم.

کتابی با عنوان نال ۱۳۹۷ نوشته محمدریگی کوتاه که به غیرشرعی بودن این رسم پرداخته است و در آن به معرفی و انواع این رسم اشاره نموده است. کتاب منظومه‌های عاشقانه از عبدالغفور

جهاندیده که در آن به معرفی آیین نال پرداخته و در ابیات عاشقانه مربوط به شهداد و مهناز به این آیین کهن اشاره کرده است.

پایان نامه‌ای با عنوان بررسی ور بر پایه متون پهلوی که توسط طاهره حداد به راهنمایی سعیدعریان در سال ۱۳۹۱ در دانشگاه علامه طباطبایی نگارش و دفاع شده است. در این پایان نامه به ریشه این آیین پرداخته شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان تجلی آیین ور در نگاره گذر سیاوش از آتش نوشته سمیه رمضان ماهی و سیدمحمد فدوی و حسن بلخاری در سال ۱۳۸۸ نگارش شده است و مقاله‌ای دیگر که به آیین ور در بلوچستان پرداخته است نوشته عبدالغفور جهاندیده با عنوان آیین ور در بلوچستان که در سال ۱۳۹۶ در فرهنگ و ادبیات عامه به چاپ رسیده است.

واژه‌شناسی وَر

وَرَنگه یا وَر در پهلوی به معنی باورکردن، مصمم شدن، برگزیدن، بازشناختن و یا گرویدن و دین آوردن پرداخت. وَر، در پارسی باستان و سانسکریت نیز به معنی برگزیدن و بازشناختن است و واژه واور در پهلوی و باور در فارسی از همین بنیاد است (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۲۱) در واقع، وَرَنگه همان امتحان و آزمایش را در برمی گیرد. از این رو، منظور از مراسم وَر-وَرَنگه، به مفهوم اجرای داوری یا آزمایش ایزدی با تن در دادن به یکی از آزمایش‌های مقرر، می باشد (رضی، ۱۳۷۶: ۱۱۲).

ور در پهلوی از ریشه اوستایی var به معنی باور کردن، انتخاب کردن، برگزیدن و حکم کردن گرفته شده است. (بارتلمه، ۱۹۶۱: ۱۳۶۰).

داوری ایزدی با کارکردی قضایی، در میان سایر اقوام و ملل مختلف نیز رایج بوده است و بیشتر به نام Ordeal شناخته شده است. این واژه از لفظ اوردالیوم^۱ قرون وسطی، شکل لاتین لفظ ژرمنی Urteil، (به معنای محکومیت و حکم مجازات) وارد زبان انگلیسی شده است (ساباتوچی، ۱۳۷۹: ۱۶۵).

با توجه به مطالب آمده ذیل مدخل اوردالیدر فرهنگ حقوقی کرزون (۱۳۸۴: ۶۳۰)، همچون ور رویه‌ای بسیار قدیمی است که توسط آن درخواستی از خدا می‌شود تا بر مجرم یا بی‌گناه بودن متهم، شاهد باشد. این نوع روش می‌تواند شامل موارد زیر نیز باشد:

آزمون بی‌گناهی توسط آتش (که در صورت آسیب دیدن مجرم بودن فرد ثابت می‌شد) و گونه-ای دیگر از آن که به صورت حمل آهن داغ شده‌ای به فاصله نه قدم انجام می‌شد (اگر بعد از انجام مراسم، زخم‌های متهم باقی می‌ماند و تا سه روز شفا نمی‌یافت، متهم شناخته می‌شد) و آزمایش توسط آب (که در آن متهم با طنابی بسته می‌شد و او را به آب می‌انداختند، اگر متهم تا گره بسته شده در طناب در آب فرو می‌رفت، بی‌گناهی او ثابت می‌شد).

^۱ Ordalium

سایر گونه های به کار رفته عبارت بودند از: اوردالی با آب سرد (هر کس زودتر نفسش می گرفت و سرش را از آب به در می آورد، محکوم بود)، آب جوش (برداشتن چیزی از داخل ظرف حاوی آب جوش یا روغن)، آزمایش صلیب (هر دو طرف دعوی دستهایشان را زیر صلیبی برافراشته بالا نگه می داشتند، هرکس زودتر خسته می شد، گناهکار بود)، آزمایش به وسیله خوراندن (معمولاً توسط خورش مقدس شام، برای پیشوایان دینی به کار می رفت.)، لمس کشته (در صورت لمس اگر از آن جسد دوباره خونی می ریخت فرد متهم شناخته می شد) و غیره. (رسولی، ۱۳۷۷).

استفاده از این روش ها در سال ۱۲۱۵ خاتمه یافت، یعنی زمانی که چهارمین شورای کلیسای لاترن^۲ شرکت روحانیت را در این نوع آزمون سخت (= اوردالی) ممنوع کرد (کرزون، ۶۳۰).

:۱۳۸۴

وَر، در ایران باستان بدین منوال اجرا می گردید که دو طرف دعوی را در محکمه الهی مورد داوری قرار می دادند. هریک از طرفین که از بوته آزمایش موفق بیرون می آمد؛ او را محقّ و مبرا می دانستند. به عبارت دیگر هرگاه در صدق ادعا و شهادت کسی شکی بود، می بایست برای اثبات راستی در مدعا و گفتار، طی تشریفات به اجرای مراسم وَر گردن می نهاد(همان). این نوع آزمون ایزدی، عموماً زمانی برپا می شد که دو طرف دعوی برای اثبات حقانیت خود هیچ گونه دلیل یا گواهی نداشتند.

^۲ Lutheran Church

بررسی پیشینه آیین ور در ایران و برخی ملل

با آشنایی درباره اینکه ور یا سوگند در میان هر ملت چگونه برگزار می شده است می توان به این نتیجه رسید که جنبه های مختلف یک ملت در دوره تاریخی با دیگر ملل هم عصر را می توان مقایسه نمود و همچنین می توان به موقعیت اجتماعی و سیاسی و فرهنگی هر ملت پی برد.

می توان پیشینه بسیاری از فرهنگ مردم ایران را بین مردم مصر، یونان و بین النهرین دانست به عقیده محقق آمریکایی اومستد، داریوش کبیر بسیاری از قوانین عدالت را به تقلید از قانون حمورابی پادشاه بابل تدوین نموده بود. همچنین در پرستش «آناهیتا» ایزدبانوی آب که بعدها تقدس و وجه سوگندی می پذیرد، اصلا آریایی نبوده و از اندیشه های بابلی نشأت گرفته است. همچنین اسناد قضایی بدست آمده، چگونگی وابستگی رؤسای عیلام و تاثیرپذیری ایشان در تدوین قانون بابلی را آشکار می سازد (آمی، ۱۳۷۲: ۱۱).

قدیمی ترین متن قانون موجود در بین النهرین، قوانین اورنمو نام دارد. که در این قوانین درباره آزمایش مجرمین با آب سخن رفته است (میک، ۱۳۷۶: ۱۱). داوری ایزدی نزد مردم بابل که با واژه ایلونرو بکار می رفته؛ گویای دو رود بزرگ فرات و دجله است که در آن سرزمین جاری است و در آنها ور آب صورت می گرفت. بنابر الواح بابل، برخی مالکان از سوگند به عنوان ابزاری جهت اغفال کشاورزان ساده لوح و بی سواد سوء استفاده می کرده اند. بدین ترتیب که از کشاورز فقیر تقاضای کردند برای اثبات مالکیت خود اقامه شهود نماید و شهود می بایست قسم

یاد می‌کردند که اگر برخلاف حقیقت گواهی دهند؛ در برابر خدایان در معرض امتحان قرار گیرند. گویا امتحان بدین نحو بود که می‌بایستی شاهد را در آب اندازند. اگر در آب غرق نشد معلوم می‌شود که دروغ گفته و گواهی او نزد خدایان مردود واقع شده‌است. بنابراین مجازات او باز هم مرگ است و بایستی اعدام شود. پس در هر دو صورت شاهد بیچاره راه گریزی نداشت. از این رو همیشه در اسناد ملاحظه می‌شود که شاکی و شهود او از قبول این امتحان امتناع کرده و در نتیجه باید تاوان و غرامت می‌پرداختند.

از آنجایی که اقوام ایران از اقوام هند و اروپایی بوده‌اند اشتراکات فرهنگی بسیاری میان هند و ایران وجود دارد. عنصر آتش نزد هندوان بسیار گرامی بوده است. «آگنی موکل آتش نیز، حکم مفهوم میثاق بین خدایان و آدمیان از ازل را داشت و نیایش انسان را به سوی بارگاه ایزدی می‌رساند» (بختورتاش ۱۳۸۰: ۱۱۱). داوری توسط آتش تا سده دهم هجری، برقرار بود. چنانچه در مناظرات دینی زمان اکبرشاه، طرفین دعوی به قضاوت الهی ورود به آتش با در دست داشتن قرآن و یا انجیل تن می‌دادند. در تاریخ اکبر پیشنهاد این داوری به عیسویان و در کتاب منتخب التواریخ پیشنهاد این داوری به مسلمانان منسوب شده است (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

در مصر ابتدا هر شهر خداوندی مخصوص به خود داشت که بعدها مقبول عموم می‌گردید. لذا عقیده به خدایان متعدد اجتناب ناپذیر بود. لیکن از آن میان باور به سه خدای برتر عیان بود. نخست اوزیریس خداوند آفتاب و قاضی در هر دو عالم، دوم ایزیس، خواهر او، سوم هروس

پسر آنان بود. در دین مصریان باستان آثار و عقاید دین توتم و دین جان نیز برقرار بود. آنان برای هر یک از ستاره‌ها مراسم دینی برگزار می‌کردند و از میان آن‌ها خدای آفتاب موسوم به رع مهم‌تر از همه بود (راوندی، ۱۳۸۲: ۷۱). با این اوصاف می‌توان تصور نمود که تا چه حد عناصر و حیوانات و خدایان مقدس در زندگی مصریان نقش داشته و یا احتمالاً بدن‌ها سوگند می‌خورده‌اند. ارزش این باورها و اقسام تا بدانجا بود که سزای سوگند دروغ در مصر باستان مرگ بود (ویل دورانت، ۱۳۷۸: ۱۱۱). در بسیاری از آثار تاریخی به این امر اشاره شده است که آیین ور یا سوگند در آفریقا با خوراندن زهر به فرد مورد اتهام قرار داده شده، راستی و ناراستی او را می‌آزماییدند. در اروپا نیز آیین ور گرم و سرد رایج بوده است که برخی از مراسم ور گرم به طریق خاصی و آنچه که در هند نیز رایج بوده است، صورت می‌گرفته است. برخی از اجراهای مراسم به این طریق بوده‌اند: متهم «با پیراهن آغشته به موم یا قیر، می‌بایستی از میان آتش هیزم بگذرد، اگر آسیبی بدو نمی‌رسید؛ بی‌گناه شناخته می‌شد. آزمایش دیگر آن بود که متهم بایستی با پای برهنه نه گام در میان آتش بردارد و اگر گزندی نمی‌دید، بی‌گناه بود.

مدعی علیه در این نوع داوری بایستی پاره آهن گذاخته به وزن معینی به دست گرفته نه گام بردارد، اگر دستش نمی‌سوخت بزهکار نبود» (پورد اوود، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

«گویا در برخی موارد، عضوی از بدن مدعی و مدعی علیه را داغ کرده، محل زخم را بسته، مهر و موم می‌کردند. پس از مدت معینی، مهر و موم گشوده می‌شد. زخم هر کدام از طرفین زودتر بهبود یافته بود، نشانه بی‌گناهی آن شخص و گناهکاری طرف دیگر بود» (رسولی، ۱۳۷۷: ۲۶).

در تمدن ایلام نیز آثار آیین ور به دو صورت ور سرد و گرم وجود دارد. یکی از این موارد که ختم به اجرای قانون و آیین می شد در محاکمات مربوط به فرزندخواندگی، وراثت و هدایا؛ مجازات ور آب علاوه بر لعنت خدا و فرمانروا معمول بود. قانون جزایی درباره شهادت دروغ وشکننده پیمان چنین حکم می کند: «او باید درآب برود، باشد که خدای رودخانه شازی ، جمجمه او را درامواج گرداب بشکنند. باشد که گرز خدا و شاه بر سر او فرود آید. باشد که از قلمرو خدا و شاه بیرون رود.» نمونه ای از متن حکم بر مبنای قسم و ثبوت بی گناهی از طریق آب باقی است که در آن ده زن شهادت می دهند که یک زن دیگر به نام آنی انیلونگو که همان متهم را می نامیدند، از مردی هدیه ای دریافت کرده، که او آن را انکار کرده است. دادگاه رأی به اجرای ور آب می دهد. اگر در رود کارون غرق شود، مدعی برنده دعواست و اگر زنده بماند، مدعی باید هدیه را اجرت المثل کند اما حتی در این حالت هم به دلیل انکار قبلی اش مجازات نمی شود(هیئتس، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

درواقع در ور سرد که با آب انجام می گرفته است در بین تمامی ملت هایی که به اینگونه ور اعتقاد داشتند با انداختن متهم در رودخانه بوده است زیرا آب را عنصری مقدس می دانسته اند. آنگونه که بیان کردیم در ایران باستان آناهیتا ایزدبانوی آب مورد پرستش و احترام بوده و در هند نیز آب را نیروی مقدسی می پنداشته‌اند همانگونه که آتش برایشان مورد احترام بوده است. ور گرم نیز با آتش صورت می‌پذیرفته‌است و گاه به صورت استفاده مستقیم از آتش و گاه به صورت

داغ نمودن ابزاری با آتش مانند آنچه در هندو دایی معمول بوده است که دانه های برنج را داغ می - نموده اند و در دهان متهم می گذاشته اند که دچار سوختگی دهان و زبان می شده است گناهکار و اگر اثری از داغی یافت نمی شد بی گناه اعلام می شده است و مورد دیگری که در هند و ایران هم مرسوم بوده است داغ نمودن موم و نعل می باشد که آن ها را در دست متهم قرار می داده اند و اگر دست متهم زخم می شد گناهش ثابت شده بود و در غیر این صورت بی گناه معرفی می شده است. آنچه در بلوچستان بیشتر رایج بوده و در آثار نیز از آن یاد شده است ور گرم می باشد.

آیین ور در بلوچستان و آیینی برگرفته از تقدس آتش

هنگامی که گروه آریایی از گروه هند و اروپایی جدا گشته و به ایرانویچ یا ناحیه خوارزم آمدند. قوم بلوچ به قسمت شمالی و پس از گذشت از قسمت شمالی به جنوب کوچ نمودند. بعدها که زرتشت نبی برای یگانه پرستی مبعوث گشت و تقدس آتش پدیدار گشت بسیاری از آیین ها و عقاید تحت این تقدس گرایی آتش پدید آمدند که آیین ور نیز جزوی از آنها می باشد. «نام مکران در کتیبه ی کعبه ی زرتشت شاپور اول آمده است» (ویسپهر، ۱۳۷۷: ۲۲) و کم و بیش در طول عصر ساسانی، بلوچستان بخشی از قلمرو امپراتوری ایران محسوب می شد. پس اقوام بلوچ دوران قبل از اسلام به دین زرتشت اعتقاد داشته اند و بازمانده این اعتقاد را می توان در رسومات مشاهده نمود. آتش در زمان زرتشت مورد پرستش نبود بلکه مظهری از وجود خدای یگانه بود و مورد احترام بود زیرا «آتش عنصری زنده است و اگر بدان توجه نشود خاموش شده

و می‌میرد لذا بهتر می‌تواند به عنوان مظهر و نمونه چیزی مورد تجسم قرار گیرد و از این روست که توجه و احترام به آن در اساس پرستش‌ها و آیین‌های دینی زرتشتیان ریشه عمیق دواینده- است» (پیربایار، ۱۳۷۶: ۳۵). این عقیده و باور در وجود ایرانیان نیز ریشه دوانید. «اقوام هند و ایرانی نیز از دیرباز به آتش به دیده حرمت و احترام نگریسته و در تعظیم و ستایش آن کوشیده و گاه به آن جنبه الوهیت داده‌اند. هند و ایرانیان از روزگار کهن آتش را اصل و جوهری می‌دانستند که در همه چیز و همه جا ساری است. مایه نظام و قوام عالم وجود است» (بویس، ۱۳۴۹: ۵۰).

یکی از ورهایی که در میان قوم بلوچ و تاکنون در بعضی مناطق نیز رایج است سوگند روغن و مندریک نام دارد که با جوشاندن روغن و انداختن انگشتی در روغن‌ها مراسم اجرا می‌شود که فرد متهم باید دست خود را درون روغن‌های جوشان فرورد و انگشتی را بیرون آورد و این مراسم در هندوایی نیز رایج بوده است. «از اقسام داوری ایزدی در هند، آزمایش با روغن جوشان بوده است. چنانکه متهم برای اثبات برائت باید دست خود را برای درآوردن پیکره کوچک یکی از خدایان به دیگ روغن جوشان فرو می‌برده، بی‌گناهی او با سالم ماندن دستش هویدا می‌شده است» (پورداوود، ۱۳۸۱: ۱۱۱).

انواع و ر در بلوچستان

نال سایبی: لمس کردن یا در دست گرفتن نعل تفتیده. در اصطلاح به مبلغی پول یا چیزی معادل آن می‌گویند که متهم پس از اینکه مراسم سوگند و ر را انجام داد و آسیبی به او نرسید، از طرف اتهام

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

زننده دریافت می-کند. این مبلغ در برخی از مناطق به اندازه دیه کامل مرد و در مناطقی نیز معادل نصف دیه مرد است.

گوندو *gwandū* یا گوندوهوندوه *gwaṇdūh*: ورد یا دعایی مخصوص که داور آهسته می-خواند و بر متهمی که حاضر است سوگند ور را اجرا کند و بر اشیای به کاررفته در سوگند، مانند آتش، نعل و آب فوت می کند.

گوندیگوندینگ / *gwand-ēn-ag* یا گوندو دیدیگ *gwandū da-y-ag*: خواندن دعا یا ورد مخصوص و فوت کردن آن بر متهمی که حاضر است سوگند ور را اجرا کند یا اشیایی که در سوگند دادن به کار می روند.

گوندینوک / *gwand-ēn-ōk*: فوت کننده ورد یا دعای مخصوص سوگند روی فرد متهم یا اشیای به کاررفته در سوگند. فوت کننده معمولاً کسی است که سواد مذهبی دارد و به پرهیزگاری مشهور است یا سوگند دادن پیشه اوست.

ملاً / *mollā*: همچنانکه آزمایش ور در ایران باستان، با حضور موبدان در آتشکده انجام می گرفت، در فرهنگ بلوچی هم با حضور ملاً برگزار می شد. در گذشته، ملاً کسی بود که سواد مذهبی در حد خواندن و نوشتن داشت و به پرهیزگاری مشهور بود. در مراسم سوگند، ملا نقش داور را برعهده داشت و وردهای مخصوص سوگند را می خواند. (جهان‌دیده، ۱۳۹۶: ۲۹).

شیوه اجرای مراسم سوگند گذر از آتش

در این مراسم، متهم تن خود را می‌شست، پس از زدودن موهای زائد، پارچه سفیدی بر خود می‌پيچید، کنار آتش و اخگرهای فروزان می‌ایستاد و منتظر می‌ماند تا داور یاروحانی به او اجازه ورود به آتش را بدهد. داور پس از خواندن وردهای مخصوص سوگند می‌گفت: «ای خداوند، اگر این شخص به نام فلان، فرزند فلان، گناهکار است، او را به سزای کارهای ناپسندش برسان. اگر بی‌گناه است، این آتش را برای او مانند آتش نمرود که بر ابراهیم خلیل سرد شد، بی‌اثر گردان». برخی از داوران پس از اینکه این جمله‌ها را می‌خواندند با این آیه از قرآن خطاب به آتش می‌گفتند: «یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم»: ای آتش سرد و سالم شو بر ابراهیم (سوره انبیا). پس از آن، متهم با اجازه داور با پای برهنه روی اخگرهای آتشین راه می‌رفت و مسیر مشخص شده را می‌پیمود. اگر آتش به او آسیبی نمی‌رساند، بی‌گناه به شمار می‌آمد و پاهایش را با پارچه سفید می‌پوشاندند و برایش قربانی و نذر می‌کردند. متهم مبلغ پیش شرط نال سایبی را هم می‌توانست دریافت کند و هم می‌توانست ببخشد. ولی اگر آتش به او آسیبی می‌رساند و پاهایش می‌سوخت، گناهکار شمرده می‌شد. (جهاندیده، ۱۳۹۶: ۳۰).

شیوه اجرای مراسم سوگند روغن و مندریک

در این شیوه، متهم می‌بایست مقدمات اجرای سوگند را همانند روش گذر از آتش اجرا می‌کرد، سپس دست خود را در روغن داغ فرو می‌برد و انگشتر را با انگشت سبابه بیرون می‌آورد و در انگشت خود قرار می‌داد. اگر دست متهم بر اثر این روغنهای بسیار داغ نمی‌سوخت، در آزمایش

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

پیروز می شد و به حق کامل خود و پول مشخص شده می رسید. اگر دستش می سوخت یا نمی توانست انگشتر را از روغن داغ و جوشان بیرون کشد، گناهکار شمرده می شد، به کیفر خود می- رسید و باید همان پول یا معادل آن را به طرف مقابل می پرداخت.

روغن این آزمایش را از کسی می گرفتند که به پرهیزگاری مشهور و آن را از راه حرام به دست نیاورده بود. اندازه روغن نیز در جاهای مختلف فرق می کرد. برای اطمینان از داغ بودن روغن، برگ درختی در آن می انداختند، اگر برگ بر اثر داغی فوراً زرد می شد، روغن برای اجرای آزمایش آماده بود.

شیوه اجرای مراسم سوگند روغن و آبجوش

این شیوه شبیه مراسم سوگند روغن و انگشتر است، اما به جای روغن، آب در دیگ می ریختند تا بجوشد و گاهی به جای انگشتر، سرب کوچکی در دیگ می انداختند و به متهم می گفتند تا آن را از تهته ظرف بیرون بکشد. برای جوشاندن آب نیز از هفت شاخه درخت استفاده می کردند. بقیه مراحل مراسم مانند دیگر آزمایشهای یادشده است. (همان)

شیوه اجرای مراسم سوگند نال

همچنانکه پیش از این گفتیم نال ریخت بلوچی نعل اسب است. متهم پس از آمادگی برای اجرای مراسم، با لباس سفید، تن شسته و با طهارت در مکان اجرای سوگند حاضر می شد. حاضران چاله کوچکی حفر می کردند و به فاصله هفت گام از آن چاله، سنگی یا چیزی را برای نشان می-

گذاشتند. هفت تکه چوب به طول یک وجب و چهار انگشت تهیه می‌کردند، درون چاله می‌گذاشتند و آتش می‌زدند. آتش که شعله ور می‌شد، نعل را درون آن می‌گذاشتند تا داغ و تفتیده شود. برای اطمینان از داغ شدن نال، برگ درختی روی آن می‌انداختند. اگر برگ حالت خود را بر اثر داغی از دست می‌داد، نعل برای سوگند آماده بود. داور پس از خواندن ورد و دعای مخصوص، به متهم اجازه می‌داد تا نعل داغ را بر کف دست گیرد و هفت گام تا نشان طی کند. اگر دستش آسیبی نمی‌دید، بی‌گناه بود و به حقش می‌رسید، ولی اگر دستش می‌سوخت یا نمی‌توانست نعل را بردارد، گناهکار به شمار می‌آمد و به سزای کار ناپسندش می‌رسید. (همان)

داستان شهداد و مهناز نمونه بارز آیین ور در ادبیات بلوچستان

داستان شهداد و مهناز به قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد و طبق اکثریت روایات شهداد پسر میرچاکر رند می‌باشد. میرچاکر رهبر بلوچستان و قبیله خود بود. «این داستان، از نظر گونه‌های ادبی، حماسی-غنائی است. غنایی از این جهت که داستان، ماجرای عشق و مهرورزی دو دل‌داده است که سرانجام بر سر این عشق جان می‌بازند. حماسی از این جهت که اوج داستان در کین-خواهی مهناز است. اگر چه نبردی رخ نمی‌دهد، اما مهناز دنبال نام است و نام و آبروی خود را برتر از هر چیز می‌داند، حتی به بهای از دست دادن جان و خوشی‌های زندگی باشد» (جهاندیده، ۱۳۹۰: ۱۵۶). دلیل بر ذکر این داستان در میان داستان‌های عاشقانه این است که ابتدای داستان با عشق بین شهداد و مهناز آغاز می‌گردد و هم این که هر دوی آن‌ها بخاطر محبت

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

عمیقی که در وجودشان نسبت به یکدیگر دارند، از این دنیا می روند. در این داستان نیز به تعدادی از آیین و رسوماتی که در قوم بلوچ رایج بودند، اشاره شده است. یکی از مهم ترین رسوماتی که در این داستان به آن پرداخته شده و مدار داستان نیز بر آن می چرخد، آیین ور *war* می باشد، در ادامه توضیحاتی خواهیم داد.

داستان شهداد و مهناز «یکی از دلچسب ترین منظومه های کهن بلوچ است. در بسیاری از داستان- های کهن بلوچ، ذکر زنان پاکدامن و نامداری مانند هانی، گوهر، گراناز شده است که دارای رفتارهایی شایسته بوده اند و این امتیازی شایسته برای زنان بلوچ است. در یکی از منظومه های بلوچ ذکر زنی شده است که بسیار باوقار و قابل احترام می باشد و او مهناز است که از روی بی- انصافی مورد تهمت قرار می گیرد» (مری، ۲۰۱۴: ۳۵۱).

مهناز *mahnâz* «دلدار و همسر محبوب شهداد است» (جهانپنده، ۱۳۹۰: ۱۵۶) و طبق آیین بلوچ - که در عصر معاصر در برخی مناطق و قبایل، هنوز رایج است- از کودکی به نامزدی شهداد درآمده بود. او «زنی پاکدامن و زیبا بود و شهداد او را بسیار دوست داشت. این محبت و دلدادگی شهداد سبب شد که شاری همسر دیگر شهداد به او رشک بورزد و او را به رابطه ی نامشروع با او مری *ômari*، متهم کند» (همان).

شهداد *šahdâd* «پسر ارشد چاکر رند بود و مانند پدرش مردی دلیر، هشیار و متقی بود» (یادگاری، ۱۳۸۶: ۱۵۵) و «در این داستان شخصیتی عجول و بدبین و خشن است و در عین

این که نسبت به مهناز عشق می‌ورزد و او را بسیار دوست می‌دارد، اما پرده‌ی شک و بدبینی دیده-ی واقع‌بین او را می‌پوشد و بدین وسیله، مهناز را به گونه‌ای بسیار بد و نامعقول رها می‌کند و در نتیجه‌ی آن مورد کین‌خواهی سخت مهناز قرار می‌گیرد و زندگی مصیبت‌باری را بر خود تحمیل می‌کند» (جهان‌دیده، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

مهناز توسط هووی خود مورد تهمت (رابطه با اومری که چوپان گلّه‌هایشان بود) قرار می‌گیرد و شهادت بدون اینکه واقعیت ماجرا را از مهناز جویا شود، او را زیر ضربه‌های تازیانه قرار می‌دهد و بعد از پیچیدن ماجرا بین اقوام، حکم بر اجرای آیین وَر ختم می‌گردد که مهناز می‌پذیرد و سرافراز از این آزمون بیرون می‌آید و از شهادت جدا می‌شود و برای انتقام از او با اومری به طور ساختگی ازدواج می‌نماید و شهادت بخاطر از دست دادن همیشگی مهناز، دچار آسیب روحی می‌گردد و جان می‌سپارد و چند روزی بعد از وفات او، مهناز نیز طاقت نمی‌آورد و جان به جان‌آفرین تسلیم می‌نماید.

آیین وَر سابقه‌ای طولانی دارد. در شاهنامه در داستان سیاوش ذکر شده‌است و مشابه با داستان مهناز می‌باشد که «در تاریخ فرهنگ و ادب بلوچی، مهم‌ترین نمونه‌ای است که می‌توان در مورد این نوع داوری مثال آورد» (جهان‌دیده، ۱۳۹۰: ۱۸۲). آیین وَر، در بلوچستان چندین اصطلاحات داشته‌است. یکی از اصطلاحات «*nâl* همان واژه‌ی نعل است، قطعه‌ی آهنی هلالی شکلی که به سُمّ اسب می‌کوبند» (همان، ۱۸۰) و پس از گذاخته شدن در دست متهم قرار می‌دهند و «برداشتن

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

هفت قدم در جهت قبله» (یادگاری، ۱۳۸۶: ۱۵۶). اسب در اینجا نماد نجابت و پاکی می باشد که نعل آن برای اثبات پاکدامنی به کار می رفته است.

اکثر گزارشات بر این است که مراسم سوگند مهناز با روغن و مندریک که یکی از انواع آیین ور رایج در بلوچستان محسوب می شده است، صورت گرفته و مهناز از این آزمایش سربلند بیرون می آید و پاکدامنی خود را ثابت می نماید و از آنجایی که مهناز زنی دلیر و شجاع بوده خودش تمامی بزرگان را برای انجام مراسم طلب می نماید.

مان سر پاگ و ترهان بند ات

māṅ sar a pāg o torrahāṅ baṅdet

دستارهای بزرگ و امیرانه را بر سر خود بپیچید.

چور په راجانی سر چند ات

čūf a pa rājāni sar ačaṅdet

تاج دستار خود را سرافرازانه، بر سر پرافتخار خود نگاه دارید.

گون وتی پلین همسران کند ات

gōṅ wat-i poll-ēṅ hamsar-āṅ kaṅdetr

و با دوستان و همراهان خود شاد و خوشحال باشید.

تیل و مندریک و مُنجلاب بیار ات

tēl o moṇdrik o maṇjalāṅ byāret

روغن و انگشتی و دیگ را بیاورید.

رب و گران متنی سرا داریت

rabb e korān a māṅ sar a dāret

و کلام الله را بر سرم نگه دارید.

شهادت مان دیوانِ تنها بیاریت

šahdād a māṅ diwān e tahā byāret

و شهادت را در میان مجلس بیاورید.

گُدداً منی سیل و نگدهان بچار اتت

godḏā mani sayl o nogdahāṅ bečāret

سپس نتیجه عمل و راستی گفتار مرا بنگرید.

آرتگنت تیل و منجل لهرانی

ārtaḡ aṅt tēl o maṇjal lahrāni

آتش را روشن کردند و دیگ پر از روغن بر روی آن می-جوشید.

دور دات مندریک لال و سهرانی

dawr e dāt moṇdrik lāl o soheāni

انگشتر را در درون آن انداختند.

کَشِ اَتِگِ بُراتانِ هَنجَرسیلانی

kaššet ag brātāṅ haṅjar saylāni

برادرانم خنجر تیز را آهیختند.

توار کت مارا زهر و ارمانی

twār e kot mā ra zahr o armāni

و مرا از روی خشم و افسوس صدا زدند.

ایر دَی دست حکم ربانی

ēr day dast a hokm e rabbāni

دست را به حکم ایزد، در درون روغنهای جوشان فرود آور.

لا تَکْگَ من سَرآستِگِ هُراسانی

lātkag maṅ sar āstīg horāsāni

من آستین خراسانیدوزدوز خود را بالا زدم.

رب، وتانَتِ دزگیرِ پَپَهکینِ جیگانی

rab wat ent dazgir pahkēṅ jigān

پروردگار خود، یاور و دادرس پاکدامنان است!

دستون ایردات په حکم رحمانی

dast-ōṅ ēr dāt pa hokm e rahmani

دستم را درون روغنهای جوشان فرو بردم.

کشتگ من مندریک لهرین تیلانی

kaštag maṅ moṅdrik lahrēṅ tēlāni

پیروزمندانه بدون آنکه دستم بسوزد انگشتی را از درون روغنهای جوشان بیرون کشیدم.

داتون شهداد سوز و آرمانی

dātōṅ šahdād a sōz o armāni

و داغ حسرت بر دل شهداد افکندم.

آنچه در اینجا بسیار حائز اهمیت است این می باشد که در هنگام اجرای مراسم در راس همه کارها سوگند به نام خداوند و گواه گرفتن خداوند قرار دارد و همچنین قرآن را بالای سر متهم قرار دادن از دیگر کارهایی است که در ابتدای مراسم صورت می پذیرد.

آیین ور در مناطق مختلف بلوچستان در قرن معاصر

آنگونه که گذشت آیین ور نه تنها در بلوچستان نمود داشته است بلکه در بسیاری از فرهنگها در سراسر جهان بوده است. بررسی اینگونه رسوم انسان را با ماهیت فلسفه حیات بشری در گستره تاریخ آشنا می سازد. برای بهتر شناخته شدن این رسم کهن بر آن شدیم تا پژوهشهایی به صورت

میدانی داشته باشیم. بلوچستان سرزمینی پر از رمز و راز است و هر گوشه از این سرزمین پهناور دارای عقاید و رسوم می‌باشند که از پیشینیان خود به ارث برده‌اند. هر چند با بالارفتن سطح دانش دینی و گسترش عقاید اسلامی اعتقاد به این آیین رو به افول است اما هنوز در بسیاری از مناطق بلوچستان و بالخصوص در مناطق دورافتاده این رسم پابرجاست.

طی مصاحبه‌ای که با جناب سروان گرگین شیهکی - که تمام طول عمر خود را در منطقه بلوچستان گذرانده‌اند - صورت گرفت، ایشان نیز به وجود آیین ور در بلوچستان و پیشینه کهن آن اذعان داشتند. حتی خود ایشان نیز شاهد آیین ور حدود بیست سال پیش از نزدیک بوده‌اند و از ایشان طی اتفاقی که بین دو قبیله در منطقه دلگان رخ داده بود، برای پیگیری ماجرا دعوت به عمل می‌آوردند. شخص متهم به قتل وارد مجلسی می‌شود که بزرگان طایفه گرد هم جمع شده بودند و هر یک از اشخاص زبان به قضاوت می‌گشودند اما هیچ‌گونه شهادتی وجود نداشت و کسی مدعی دیدن واقعه از نزدیک نبود. بنابراین بزرگان تصمیم بر اجرای آیین ور می‌گیرند که شخص باید دست خود را در ظرفی که روغن در آن به نقطه جوش رسیده است فرو برد و انگشتر نقره‌ای که در آن انداخته شده را بردارد. شخصی اتهام زده پس از خواندن ورد توسط شیخ دست خود را در ظرف روغن در حال جوش فرو می‌برد و انگشتر را بدون کوچکترین آسیبی که به دستش وارد شود، برمی‌دارد و اینگونه بی‌گناهی او ثابت می‌گردد. جناب سروان آیین ور را یکی از اعتقادات

کهن بلوچستان می شمارد که نمی توان منکر آن شد و حتی اذعان داشتند که در بسیاری از مناطق این مراسم هنوز نیز پابرجا باقی مانده است. (۱۴۰۰/۴/۳).

از مناطقی مانند روستای کوپچ واقع در منطقه لاشار^۳، روستای کیشکور در شهرستان سرباز و مناطقی از سرحد و دلگان و... از افراد این مناطق پرسش‌هایی در رابطه با آیین نال به میان آمد که اکثریت به این آیین کهن اشاره نمودند و اتفاق‌هایی را که پیش آمده بود، بیان نمودند. آنچه مورد توجه است این می‌باشد که برخی از اتفاقات در بیست سال پیش و یا پنج سال پیش رخ داده‌اند مانند آنچه که در سال ۱۳۷۵ در روستای کیشکور اتفاق افتاد و شخصی به نام ابراهیم متهم به دزدی شد و هیچ ادله‌ای بر گناهکار بودن و عدم گناهکار بودنش وجود نداشت تا اینکه بعد از مشورت اهالی و بزرگان نتیجه به انجام آیین نال سوق داده شد. آنچه در این پژوهش‌ها به دست آمد این بود که مراسم سوگند با روغن و مندریک صورت می‌گرفته‌است. ماجرای دیگر مربوط به پنج سال پیش بود که در دلگان و منطقه‌ای دیگر به نام ذهکلوت رخ داده بودند و در این ماجراها نیز اشخاص متهم به سرقت شده بودند و باز مراسم نال برگزار شده بود که متهمان در آزمون‌ها پیروز و سرافراز بیرون آمده بودند.

^۳ بخشی از شهرستان نیکشهر واقع در منطقه مکران بلوچستان

^۴ مرکز این شهرستان سرباز است.

در موردی دیگر، شخص اتهام به جادو کردن شده بود. در واقع وجود سحر و جادو در جوامع مختلف بر کسی پوشیده نیست و حتی در جوامع امروزی به اشکال دیگری پذیرفته شده است. هر چند جادو در علم جایی ندارد اما همواره علم و دانش با دیده شک و شبهه به آن نگریسته است. بلوچستان مهد پرورش عقاید مختلف است و اعتقاد به جادوگری در این سرزمین ریشه ای کهن دارد و کمتر کسی یافت می شود که به این میراث کهن معتقد نباشد. البته این اعتقاد فقط در میان قوم بلوچ نیست بلکه «سحر و اشیاء اعتقادی در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر قدمت بسیاری دارد و همواره در طی ادوار گوناگون و شرایط خاص، تغییراتی به همراه داشته است. اشیاء اعتقادی همچون حرزها، طلسمها، تعاویذ، اسطرلاب، عزایم و ...، در ایران، همواره از تفکرات اسطوره ای و باورهای عامیانه حاکم میان مردم نشأت گرفته است. چنانچه با کمی تأمل به حرزها، تعاویذ و طلسمها و سایر اشیاء اعتقادی بنگریم، در می یابیم که این اشیاء صرف نظر از کاربردهای اولیه شان، دارای نوعی فضای تصویری مدرن هستند» (چاکری، ۱۳۹۳: ۱۴).

مردم بلوچ بر این باورند که جادو سبب آسیب روانی می گردد و شخصی که مورد جادو واقع شده است تندخو و پر خاشگر می شود. «آنچه که امروزه محصول فعل و انفعالات مغزی دانسته می شود، در گذشته معلول قدرت های ماوراء طبیعی می دانستند. بدی و بیماری نتیجه تسخیر به وسیله ارواح خبیثه دانسته می شد» (شاملو، ۱۳۸۱: ۷۵). اعتقاد به سحر و جادو در جوامع مختلف

«هنوز در میان طبقات پایین و رشد نیافته جامعه به قوت خود باقی است و نقش عوامل ماوراء در پیدایش این اختلالات جدی گرفته می‌شود» (محرری، ۱۳۷۳: ۳۳).

سحر و جادو در هیچ جامعه‌ای پسندیده نیست و این یک اعتقاد دیرینه است که هنوز در باور برخی ریشه دوانیده است و مردم بلوچ بر این باورند که شخصی که برای تباهی زندگی دیگری از سحر و جادو کمک می‌گیرد گناهکار است. «جنّ و پری و جادوگر نیز از عناصر اهریمنی محسوب شده و کافر و گمراه کننده‌اند» (رضی، ۱۳۸۱: ۶۷۱). «این عناصر اهریمنی، در وندیداد، مورد نفرت است و در کلمه شهادت، برای هر نودینی، اعلام براءت از جادو و جادوگران، تأکید شده است» (همان، ۲۴۹). طبق «مینوی خرد»، جادوگری از معاصی بزرگ شمرده شده است. (مینوی خرد، ۱۳۷۹: ۵۱).

آنچه که قوم بلوچ بر آن اذعان دارند این است که شخص برای سحر و جادو کردن بر علیه دیگری تصویر و عکسی که از او در اختیار دارد را به نزد ملا *mollā* یا فرد جادو کننده می‌برد. ابن خلدون «نظیر این جادو را که به چشم خود دیده است، نقل می‌کند که چگونه صورت شخصی را تصویر کرده و با خواندن افسون بر آن صورت، قصد زیان رساندن و افسون شخص موردنظر را داشته‌اند» (ابن خلدون، ج ۲، ۱۳۶۹: ۱۰۴۳).

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

طبق پژوهش به عمل آمده ما به ازای هر کدام از موارد ذکر شده برای انجام مراسم نال حوادثی به وفور در مناطق مختلف طی چندین سال پیش رخ داده است.

ماجرای ملک شاه *malek šāh* (به لهجه بلوچی ملک شه *malek šah* رایج است) و الاهی *allāhī* یکی از اتفاقاتی است که در این پژوهش میدانی به آن برخوردیم. داستان آن‌ها به حدود سال‌های ۱۲۵۰ هجری شمسی برمی‌گردد. هر دوی آن‌ها از جوانان قبیله‌ای بزرگ و مشهور بودند که در منطقه‌ای دوردست از حوالی شهرستان خاش^۵ می‌زیستند. پدرانشان از مردان آزاد و دلاور منطقه بودند. الاهی *allāhī* و ماهین *māhēn* دختر عمو و پسر عمو بودند که از همان زمان کودکی نامزد یکدیگر شناخته شدند. این یکی از رسوم قوم بلوچ می‌باشد که از بدو تولد پسر عموها و دختر عموها را نامزد می‌نامیدند و هنوز در برخی طوایف این رسم پابرجاست و به زبان بلوچی ناف بری^۶ نام دارد. زمانی که الاهی و ماهین به سن جوانی می‌رسند، از آنجایی که ماهین دختری زیبارو بود ملک شاه عاشق او می‌گردد و از الاهی می‌خواهد که از ماهین درگذرد و با دیگری ازدواج نماید اما الاهی این خواسته ملک شاه را توهین می‌شمارد و به آن اعتنایی نمی‌کند. از آنجایی که ماهین نیز دل در گرو الاهی داشت و الاهی به دلاوری و رادمردی معروف بود و اهالی منطقه او را بسیار می‌ستودند و تمامی این موارد کینه را در دل ملک شاه می‌رویاند و

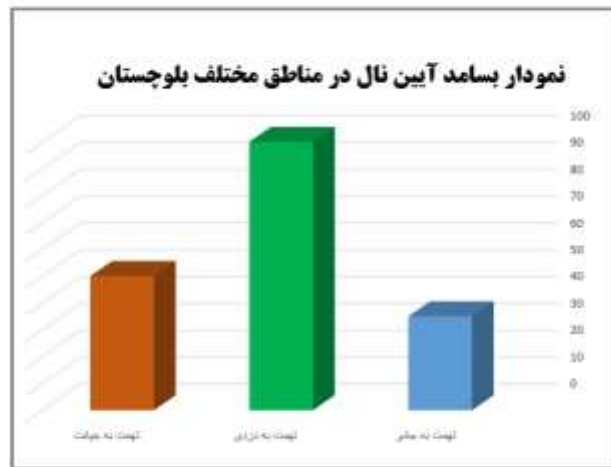
^۵ مرکز این شهرستان خاش است و در قدیم به واش یا خواش معروف بوده است و در منطقه سرحد بلوچستان واقع است.

^۶ *nāfborē*

تصمیم می‌گیرد که با تهمت زدن به الاهی از ابهت و محبت او در میان مردم بکاهد. او شبانه به نزد ریش سفید^۷ منطقه می‌رود و سخنانی را که شایسته الاهی نبودند به ریش سفید می‌گوید. فردای آن روز خبر می‌پیچد و تمامی مردم بهت زده می‌مانند و اکثریت آن‌ها این سخن را بهتان و تهمتی بیش نمی‌شماردند تا اینکه تصمیم بر این می‌شود که باید الاهی نال داده شود. پس از بیان کردن ماجرا برای الاهی او چون خود را بری از این اتهام می‌دانست به راحتی می‌پذیرد تا رسم نال برپا گردد. برای انجام مراسم ظرفی بزرگ بر روی آتش گذاشته می‌شود و درون آن روغن محلی که از روغن حیواناتی چون گوسفند به دست آمده بود می‌ریزند و انگشتی در آن قرار می‌دهند و به هنگام جوش آمدن روحانی^۸ شروع به خواندن آیاتی از قرآن می‌کند که اگر الاهی بی‌گناه است در حفاظت باشد. از الاهی خواسته می‌شود که دست خود را درون ظرف پر از روغن درحال جوش ببرد و انگشت را برگیرد و او این کار را انجام می‌دهد و بدون اینکه دستش آسیبی ببیند انگشتی را در می‌آورد و در خزه‌های اطراف می‌اندازد که از شدت داغی انگشت، خزه‌ها آتش می‌گیرند. اینگونه بود که الاهی سرافراز می‌شود.

^۷ کدخدا نیز گفته می‌شود.

^۸ در زبان بلوچی به آن مولا گویند.



نتیجه گیری و پیشنهادات

بررسی سنت ها و رسوم یک ملت ما با طرز تفکر و اندیشه-های آن ملت بیشتر آشنا می-سازد. یکی از این رسوم آیین ور می-باشد که از دیرباز در میان اکثریت ملت-ها جاری و ساری بوده-است و هر ملت با توجه به موقعیت-های جغرافیایی و اجتماعی منطقه آن را اجرا می-کرده-اند و دو نوع بارز آیین ور ، ور سرد و گرم می-باشد که ور گرم بیشتر مورد توجه بوده است و در میان مردم بلوچ نیز ور گرم اهمیت بسزایی برای هویدا ساختن راستی و ناراستی داشته است. شباهت-های بسیاری میان انجام مراسم بین اقوام ایرانی به خصوص بلوچ و هندی-ها وجود دارد و می-دانیم که قوم بلوچ از گروه آریایی-هایی بوده است که درگذشته از گروه هند و اروپایی جدا گشته-اند زیرا

اشتراکات فرهنگی بیان کننده این می باشد که رابطه ای تنگاتنگ بین آن ها وجود داشته است. و گرم که به صورت نال و یا روغن جوشان و انگشتی انجام می شده است در زمان حاضر نیز در برخی مناطق اجرا می شود. نمونه بارز این آیین در بلوچستان و آنچه که ثبت آثار ادبی شده است داستان شهداد و مهناز می باشد که برخی می گویند به صورت نعل تفیده و برخی می گویند به صورت دست بردن در روغن جوشان صورت گرفته است که قول دوم معتبرتر می باشد زیرا ابیات به جا مانده خبر از همین نوع اجرا را می دهد که هنگامی مهناز دست خود را در روغن جوشان فرو می برد و بدون هیچ گونه احساس رنج و سوختگی انگشتی را بیرون می آورد از این آزمایش سرافراز بیرون می آید و بی گناهی و پاکدامنی خود را به همه به خصوص شهداد ثابت می نماید. طبق پژوهش های به دست آمده از مناطق مختلف بلوچستان، آیین ور همواره با همان شیوه گذشتگان اجرا می شود و البته مانند گذشته به وفور صورت نمی گیرد اما در اتفاقاتی که هیچ شاهد و گواهی برای متهم وجود ندارد به این رسم روی می آورند. آنچه در این پژوهش اشاره شد این می باشد که افرادی به دزدی، جادو و خیانت متهم می شده اند و آن ها برای اثبات بی گناهی شان چاره ای جز تن دادن به نال ناشته اند. در میان این اتهامات، اتهام به دزدی از بسامد بسیار بالایی برخوردار است و پس از آن اتهام به خیانت و جادو دارای بسامد بسیار پایینی می باشد. پیشنهاد می شود تحقیقاتی گسترده تر در سرزمین بلوچستان برای پی بردن به اعتقادات این مردم میراث دار صورت گیرد زیرا با انجام پژوهش های میدانی می توان به بسیاری از عقاید مردم این

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

سرزمین کهن پی برد مانند آنچه در این پژوهش به آن دست یافتیم که هنوز برخی از طوایف قوم بلوچ به جادو و جادوگری اعتقاد دارند و این نیاز به بررسی و تحقیقی دیگر دارد تا بتوان باور این اعتقاد را ریشه یابی نمود. همچنین با پژوهش های دیگر می-توان به داستان هایی رسید که در هیچ کتابی نوشته نشده-اند در حالیکه دارای ارزش ادبی و فرهنگی می باشند مانند داستان ملک شاه و الاهی که در آن به برخی دیگر از رسوم بلوچ اشاره شده است از جمله اینکه در کودکی با توافق بزرگان خانواده، کودکان را برای نامزدی انتخاب می نمایند و همچنین به هنگام پیش آمدن ماجرای ابتدا بزرگ طایفه را در جریان می گذارند و او با رای و مشورت دیگر افراد قوم تصمیم نهایی را اعلام می نماید که این خود نیاز به پژوهشی دیگر دارد.

منابع

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۳۶۹)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمدپروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۲. -آمیه، پیر، (۱۳۷۲)، تاریخ ایلام، ترجمه شیرین بیانی، تهران: نشر دانشگاه تهران
۳. بختورتاش، نصرت الله، (۱۳۸۱)، نشان رازآمیز، تهران: فروهر، چاپ سوم
۴. بویس، مری، (۱۳۴۹)، دیانت زرتشتی در دوران متاخر، ترجمه فریدون وهمن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران
۵. -پورداوود، ابراهیم، (۱۳۸۱)، سوگند، مجله مهر، شماره ۷۵

۶. - پیربایار، ژان، (۱۳۷۶)، رمز پردازی آتش، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز
۷. - جاهودا، گوستاو، (۱۳۷۱)، روانشناسی خرافات، ترجمه محمد تقی براهنی، تهران: نشر البرز
۸. - جهاننیده، عبدالغفور، (۱۳۹۰)، منظومه‌های عاشقانه بلوچی، تهران: نشر معین، چاپ اول
۹. - جهاننیده، عبدالغفور، (۱۳۹۰)، حماسه سرایی در بلوچستان، تهران: معین، چاپ اول
۱۰. - چاکری، آزاده، (۱۳۹۲)، مطالعه قابلیت‌های عناصر بصری حرزها و نمود آن در آثار هنر معاصر (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده هنر و معماری.
۱۱. - دورانت، ویلیام، (۱۳۷۸)، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشایی، امیرحسین، آریان پور، تهران: نشر علمی فرهنگی، چاپ ششم
۱۲. - راوندی، مرتضی، (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه، چاپ دوم
۱۳. - رسولی، سیدجواد، (۱۳۷۷)، آیین اساطیری و، تهران: سروش
۱۴. - رضی، هاشم، (۱۳۷۶)، دانشنامه ایران باستان، جلد سوم، تهران: سخن
۱۵. - سساباتوچی، داریو، (۱۳۷۹)، اوردالی (آزمایش ایزدی یا آیین ور)، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله کانون، سال چهل و چهارم، ش ۱۷، صص ۱۶۵-۱۸۰
۱۶. - شاملو، سعید، (۱۳۸۱)، آسیب شناسی روانی. تهران: انتشارات رشد.
۱۷. - کرزون، ال. ب.، (۱۳۸۴)، فرهن حقوقی انگلیسی به فارسی، مترجم قدیر گلکاریان و دیگران، تهران: نشر دانشیار

تجلی آیین ور در داستان های تاریخی و معاصر قوم بلوچ

۱۸. -مصاحبه با جناب سروان گرگین شیپکی، ۱۴۰۰/۴/۳
۱۹. -محرری، محمدرضا، (۱۳۷۳)، نگاهی به تاریخ روا نپزشکی و تاریخچه روا نپزشکی در ایران. فصلنامه اندیشه و رفتار. سال اول. صص ۳۳-۴۹
۲۰. -مری، شاه محمد، (۲۰۱۴)، بلوچی زبان و ادب، کوئته پاکستان
۲۱. -مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۰)، دایره المعارف فارسی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی (وابسته به موسسه انتشار امیرکبیر)
۲۲. -میک، توفیل، (۱۳۷۶)، قانون نامه حمورابی، ترجمه کامیار عبدی، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی
۲۳. -مینوی خرد، (۱۳۷۹)، ترجمه احمد تفضلی، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: توس
۲۴. -ویسه فر، یوزف، (۱۳۷۷)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس
۲۵. -هیتنس، والتر، (۱۳۸۳)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروز نیا، تهران: نشر علمی فرهنگی، چاپ سوم
۲۶. -یادگاری، عبدالحسین، (۱۳۸۶)، حماسه مردم بلوچ، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی